

نظریه مبنای «رهبری تحول» در اجتماعات انسانی براساس تدبر موضوعی در آیات قرآن کریم¹

شهاب جنابی،² محمدسعید جبل عاملی،³ علیرضا علی احمدی⁴

چکیده

یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که در فرایند دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید دنبال شود، طراحی الگوی رهبری تحول است. ضرورت‌ها و ویژگی‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ایجاب می‌کند ابتدا نظریه مبنای رهبری تحول که با ضرورت‌های این الگو همخوانی دارد، تهیه و سپس مبتنی بر آن، نسبت به طراحی الگوی رهبری تحول اقدام شود. بر این اساس، این مقاله به موضوع ارائه نظریه مبنای رهبری تحول می‌پردازد و می‌کوشد نظریه مبنای برآمده از آیات قرآن کریم درباره شیوه ایجاد تحول مورد نظر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را تدوین کند. نتایج اجمالی حاصل از این پژوهش، در قالب 30 اصل معرفی شده است. پرداختن به موضوع «نظریه مبنا» به جای ارائه مدل بدون توجه به پارادایم و نظریه مبنای آن، از مهم‌ترین نوآوری‌های این مقاله است. نظریه مبنای ارائه شده در این مقاله می‌تواند مبنای طراحی الگوی رهبری تحول و مدل‌های ایجاد تحول در اجتماعات انسانی با رویکرد اسلامی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، رهبری تحول، رویکرد تحقیق ترکیبی، نظریه مبنا، پارادایم، تدبر موضوعی.

1. این مقاله برگرفته از رساله دکتری شهاب جنابی در دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت ایران به راهنمایی دکتر محمد سعید جبل عاملی و با مشاورت دکتر علیرضا علی احمدی و دکتر علیرضا معینی است.

2. دانشجوی دکتری مهندسی صنایع - مدیریت سیستم و بهره‌وری دانشگاه علم و صنعت ایران / jenabi@iust.ac.ir

3. استاد دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت ایران / jabal@iust.ac.ir (نویسنده مسئول)

4. استاد دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت ایران / aliamhmadia@iust.ac.ir

1. مقدمه و بیان مسئله

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت موضوع بسیار مهمی است که در تبیین از سوی مرجع مطالبه‌کننده موضوع، ویژگی‌های منحصر به فردی برای آن در نظر گرفته شده است؛ به طوری که به عنوان سند بالادستی نسبت به سند چشم‌انداز، در سیاست‌گذاری‌های کلی و همه اسناد برنامه‌ای کشور نقش آفرینی می‌کند و ضمن اینکه مبانی اسلامی را در همه مراحل کار به صورت جامع، کامل و دقیق مبنای عمل قرار می‌دهد، همچون نقشه‌ای جامع، چگونگی ایجاد تحول در جامعه برای دستیابی به جامعه اسلامی و زمینه‌سازی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را تبیین می‌کند. از سوی دیگر می‌کوشد تا به عنوان الگویی منعطف، تحولی را که می‌خواهد به پیشرفت منتهی شود به گونه‌ای محقق کند که انسان‌ها بتوانند در آن به رشد و تعالی برسند و انسانیت را هدف اصلی خود قرار دهند (جبل‌عاملی و دیگران، 1395: 3).

در این راستا، طراحی الگوی رهبری تحول به عنوان یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که باید در فرایند دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دنبال شود، به موضوعی جدی در این حوزه تبدیل شده است که پاسخ‌گویی به آن می‌تواند نقش بسیار مهم و راهگشایی در فرایند دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت داشته باشد، ولی مقدمه لازم برای طراحی الگوی رهبری تحول این است که ابتدا نظریه مبنای مورد قبول برای طراحی الگو، مبتنی بر منابع اسلامی قابل‌اتکا، تدوین و سپس براساس آن، الگوی رهبری تحول طراحی شود.

بر این اساس، مسئله اصلی که این پژوهش برای پاسخ‌گویی به آن ایجاد شده است، تدوین نظریه مبنای رهبری تحول براساس تدبر در آیات قرآن کریم است. با توجه به اینکه الگوی رهبری تحول در پی فراهم کردن بستر لازم برای دگرگونی بنیادین، نظام‌مند و تعالی‌گرا در سطوح مختلف انسان، خانواده، حکومت، جامعه و کشور از وضع موجود به سوی وضع مطلوب است، مطالعه و بررسی مدل‌ها و روش‌های گوناگونی که تاکنون پیرامون شیوه ایجاد تغییر یا تحول در سطوح مختلف از سوی اندیشمندان این حوزه ارائه شده است، حاکی از آن است که اغلب آن‌ها، صرفاً به معرفی فرایند ایجاد تغییر یا تحول در یک سطح یا بُعد خاص (مانند جامعه، سازمان یا فرد) می‌پردازند و چون شیوه ایجاد،

تحول در همه سطوح انسان، خانواده، حکومت، جامعه و کشور را هم‌زمان شامل نمی‌شوند، نمی‌توانند به‌تنهایی انتظارات و کارکردهای مورد نظر از الگوی رهبری تحول را برآورده سازند. علاوه‌براین، هریک از مدل‌ها و روش‌های ارائه‌شده برای ایجاد تغییر یا تحول، مبتنی بر پارادایم‌های فکری خاصی شکل گرفته‌اند و ضرورت‌ها و ویژگی‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که از جمله ابتدای آن بر مبنای و اصول اسلام ناب محمدی (ص) است، ایجاب می‌کند تا براساس نظریه مبنا و پارادایم فکری متناسب با موضوع، نسبت به طراحی الگوی رهبری تحول اقدام شود. در این مقاله، تلاش شده است نظریه مبنای رهبری تحول براساس برداشت از آیات قرآن کریم ارائه شود تا براساس آن بتوان به طراحی الگوی رهبری تحول پرداخت.

2. اهداف و پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی که در این مقاله سعی شده است به آن پاسخ داده شود، این است که «نظریه مبنای برآمده از آیات قرآن کریم پیرامون ایجاد تحول در اجتماعات انسانی کدام است؟»

3. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد مقاله‌های فراوانی درباره «رهبری تحول» یا «مدیریت تغییر» ارائه شده و در اغلب آن‌ها تلاش شده است تا درباره شیوه ایجاد تغییر یا تحول، نکاتی ارائه شود، ولی هیچ‌یک از مقاله‌های مورد بررسی، به‌طور مشخص به موضوع «نظریه مبنای تحول» یا لایه پارادایمی موضوع از منظر مورد نظر در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته است. برای نمونه، بهرام دلگشایی و همکاران در مقاله «مدیریت تغییر در بیمارستان‌های ایران، الگوی عوامل اجتماعی»، به موضوع مدیریت تغییر در بیمارستان‌ها پرداخته‌اند و برای این منظور، با اتکا به موضوع عوامل اجتماعی، الگویی ارائه داده‌اند (دلگشایی، 1390: 1). علیرضا موغنی در «طراحی الگوی رهبری تحول‌آفرین در سازمان‌های اداری ایران» موضوع رهبری تحول‌آفرین در سازمان‌های اداری کشور را بررسی کرده و نکاتی را در این زمینه ارائه داده است (موغنی، 1382: 1). غلامرضا جلالی نائینی و همکاران در مقاله «طراحی الگوی مدیریت تحول با تأکید بر هم‌راستاکردن مؤلفه‌های تغییر» از منظر خود به موضوع مدیریت تحول پرداخته و نکات مورد نظر را ارائه کرده‌اند (جلالی نائینی، 1387: 1). حسین صمدی میارکلائی و همکاران در مقاله «تبیین نقش سبک رهبری تحول‌آفرین در فرهنگ

سازمانی» (1395)، به بررسی آثار سبک رهبری تحول‌آفرین بر فرهنگ سازمانی پرداخته‌اند و پس از توزیع پرسش‌نامه و تحلیل آماری نتایج به این نتیجه رسیده‌اند که بین سبک رهبری تحول‌آفرین و فرهنگ سازمانی، ارتباط مثبت و معنادار نسبتاً قوی‌ای وجود دارد.

از زمان طرح مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تاکنون، تلاش‌های فراوانی برای انجام پژوهش و تولید محتوا در این راستا انجام شده است ولی با توجه به اینکه الگوی رهبری تحول، یکی از گام‌هایی است که در فرایند دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید به آن پرداخته شود، پژوهش یا مقاله‌ای که مستقیم به مسئله نظریه مبنای رهبری تحول پرداخته باشد، یافت نشده است؛ با این حال در برخی مقاله‌ها تلاش شده است به مسائل بومی یا ارزشی پیرامون ایجاد تغییر و تحول پرداخته شود. محمدرضا آقایی در مقاله «غرب‌زدایی از توسعه، رویکرد قرآنی پیشرفت اجتماعی - جستاری در نقد و بررسی رویکردهای غربی به توسعه و محورهای ارائه الگوی جایگزین قرآن در پیشرفت اجتماعی» (1392)، بر ضرورت استخراج الگوی جایگزین قرآن برای پیشرفت اجتماعی تأکید کرده اما به استخراج این الگو نپرداخته است. در مثالی دیگر، سیامک باقری چوکامی و جعفر یوسفی، در «مؤلفه‌های نرم‌افزارانه مدیریت تغییرات اجتماعی در قرآن کریم - مطالعه موردی داستان حضرت موسی(ع) و فرعون در قرآن کریم» (1391)، مواردی از مؤلفه‌های نرم‌افزارانه مدیریت تغییرات اجتماعی را از قرآن کریم استخراج کرده‌اند ولی تنها محدود به مطالعه موردی بوده و به سایر مؤلفه‌های مهم قابل استخراج برای مدیریت تغییر مبتنی بر قرآن، پرداخته نشده است.

محمدتقی نوروزی نیز در مقاله خود با عنوان «مدیریت تحول در قرآن» (1391)، ابتدا مروری اجمالی بر برخی مدل‌های متعارف ایجاد تغییر در سازمان‌ها انجام داده‌اند، سپس فعالیت‌های عمده مربوط به مدیریت تحول را براساس مدل کامینگز و اورلی، در پنج فعالیت عمده سازمان‌دهی کرده‌اند: انگیزش تغییر، ایجاد چشم‌انداز، ایجاد حمایت سیاسی از تغییر، مدیریت گذار از وضع موجود به آینده‌ای مطلوب و حفظ میزان شتاب برای تغییر. همچنین مصادیقی از آیات قرآن کریم را که می‌تواند در هریک از این موارد رهنمودهایی داشته باشد، بیان کردند. در پژوهش حاضر تلاش شده است، به آنچه درباره رهبری تحول می‌توان از آیات قرآن کریم برداشت کرد، پرداخته شود و صرفاً به شناسایی و بیان شواهدی از قرآن در زمینه اجزای مدل‌های ارائه‌شده از سوی دیگر اندیشمندان، بسنده نشود.

به نظر می‌رسد تاکنون روشی که بتواند بستر لازم را برای ایجاد تحول در سطوح مختلف انسان، خانواده، جامعه، کشور و حکومت مبتنی بر مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی و با در نظر گرفتن ضرورت‌های عنوان‌شده در مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، محقق کند، ارائه نشده است. از این جهت نیز دستاوردهای حاصل از این تحقیق می‌تواند نوآوری در این فرایند تلقی شود.

از سوی دیگر، از آنجاکه این پژوهش درصدد ارائه نظریه مبناست، لازم بود در بررسی پیشینه پژوهش، به مواردی که به دنبال استخراج نظریه مبنا در حوزه‌های موضوعی مختلف بوده‌اند نیز پرداخته شود تا بتوان از تجارب آن‌ها در این پژوهش بهره گرفت. در این راستا، نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که به‌طور طبیعی هر پژوهشی مبتنی بر یک یا چند نظریه پایه شکل می‌گیرد. اگرچه تنها در برخی از پژوهش‌ها، مستقیم به نظریه‌هایی که مبنای اندیشه محقق بوده‌اند اشاره می‌شود، ولی در سایر پژوهش‌ها نیز بدون اشاره مستقیم به این نظریه‌ها، شیوه اندیشه محقق، از نظریه‌های مدنظر او تأثیر می‌پذیرد و این موضوع در پژوهش‌های بنیادین به‌ویژه در علوم انسانی و اجتماعی، اهمیت بیشتری می‌یابد. به همین دلیل است که اگر پیش از انجام پژوهش، مبانی، چهارچوب‌های فکری یا نظریه مبنا در زمینه موضوع پژوهش به‌طور دقیق و شفاف تبیین نشود، این احتمال وجود دارد که پارادایم‌های دیگری که ممکن است با مبانی مورد نظر محقق سازگاری لازم را نداشته باشند، بر فضای پژوهش حاکم شوند و نتایج را به کلی تغییر دهند (جبل عاملی و دیگران، 1395: 2).

وليام لاورنس نیومن در کتاب خود که در سال 1389 با نام «شیوه‌های پژوهشی اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی» منتشر کرد، در تشریح این حقیقت می‌گوید:

تقریباً همه پژوهش‌ها با نظریه سروکار دارند؛ بنابراین مسئله این نیست که آیا باید از نظریه استفاده کرد یا خیر، بلکه بحث بر سر چگونگی استفاده از آن است؛ از این رو دانستن یک نظریه، خواندن پژوهش دیگران یا انجام پژوهش خودتان را آسان می‌سازد. آگاهی از چگونگی تزریق نظریه در فرایند پژوهش، موجب طراحی بهتر، تسهیل فهم و اجرای بهتر مطالعات می‌شود. اغلب پژوهشگران، پژوهش‌های فاقد نظریه یا پژوهش‌های «تجربی خشک» را بی‌ارزش می‌دانند (نیومن، 1389: 110).

در نمونه‌ای دیگر، شارلوت شلتون در کتاب خود با عنوان «جهش بزرگ در سازمان» (1999)، دیدگاه تازه‌ای را با عنوان دیدگاه کوانتومی در تقابل با دیدگاه نیوتونی معرفی می‌کند و ضمن تبیین پارادایمی نوین با عنوان «پارادایم رهبری کوانتومی» نشان می‌دهد پارادایم جدید چگونه مفاهیم و

تکنیک‌های مدیریتی را که مبتنی بر پارادایم نیوتونی بنا شده بودند، به چالش می‌کشید. در مثالی دیگر، رالف استیسی در کتاب «پیچیدگی و مدیریت - نگرش سیستمی را فراموش کن» که در سال 2000 میلادی منتشر کرد، گفتمان غالب در نوع نگاه به سازمان‌ها را که از تفکر سیستمی نشئت می‌گیرد، به‌طور جدی به چالش می‌کشد و ضمن تبیین محدودیت‌های آن، به معرفی گفتمان نوینی با عنوان «گفتمان پیچیدگی» می‌پردازد که از نظریه پیچیدگی سرچشمه گرفته است. در مقدمه‌ای که برای چاپ فارسی این کتاب در سال 2010 توسط استیسی نوشته شده است نیز به این نکته مهم اشاره شده است که در این دیدگاه جدید، سازمان همچون الگوهایی که در اثر برهم‌کنش‌های جزئی میان یکایک انسان‌های عضو سازمان پدیدار می‌شود، لحظه‌به‌لحظه ساخته می‌شود. هم‌زمان، الگوی سازمان نیز در برهم‌کنش‌های جزئی میان یکایک انسان‌های عضو، نمایان شده و بدین ترتیب، نقش کانونی آن‌ها در فهم سازمان، مدیریت و رهبری آشکار می‌شود.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، هر مدل یا روشی که در ادبیات موضوع، برای ایجاد تغییر و تحول ارائه شده است، مبتنی بر پارادایم فکری حاکم بر ذهن ارائه‌دهنده مدل یا روش، شکل گرفته است که گاهی مستقیم به آن اشاره شده و در بسیاری موارد بدان اشاره نشده است. با توجه به ضرورت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، برای طراحی الگوی رهبری تحول نمی‌توان بر پارادایم‌های فکری رایجی که برای سایر مدل‌ها و روش‌ها به کار گرفته شده است، پیش رفت و لازم است ابتدا نظریه مبنا یا پارادایم برآمده از مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی تدوین و سپس الگوی رهبری تحول با ویژگی‌های بیان‌شده طراحی شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های متمایز تحقیق حاضر، این است که در اغلب پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون موضوع، به ایجاد تغییر یا تحول در یکی از سطوح فرد، سازمان یا جامعه پرداخته شده است؛ برای نمونه، مدل تغییر سه‌مرحله‌ای لوین (کامینگز، 1391: 28)، مدل تغییر هفت‌مرحله‌ای لیپست، واتسون و وستلی، مدل تحقیق در عمل (کامینگز، 1391: 29)، مدل تغییر برنامه‌ریزی‌شده کامینگز (کامینگز، 1391: 28)، مدل تغییر پیتز سنگه (سنگه، 1389: 55) و چهارچوب تحول سازمانی استراتژیک استر، وایلی و والتنی (استر، 1393: 29) به ایجاد تغییر در سطح سازمان می‌پردازند. مدل تحول «آدکار» ارائه‌شده توسط جفری هایات (هایات، 1391: 59)، تحول سازمانی را از طریق ایجاد تحول در افراد دنبال کرده و مدعی شده است این الگو می‌تواند برای بنگاه‌ها، سازمان‌های دولتی و

خصوصی، سازمان‌های مدنی و جوامع و نیز برای تحول زندگی شخصی و حرفه‌ای افراد مورد استفاده قرار گیرد. ازسوی دیگر، مدل یازده مرحله‌ای جان ماکسول (ماکسول، 1392: 89) برای ایجاد تحول در اندیشه‌ها، و مفهوم «چشم ذهن» دانیل جی سیگل (سیگل، 1390: 5)، به شیوه ایجاد تحول در افراد می‌پردازند. در پژوهش حاضر، الگوی رهبری تحول به دنبال بسترسازی برای ایجاد تحول در همه سطوح انسان، خانواده، جامعه، کشور و حکومت است و این یکی از نوآوری‌های مهم تحقیق است.

4. مفاهیم کلیدی

تحول: تحول مورد نظر در این مقاله عبارت است از: دگرگونی بنیادین، نظام‌مند و تعالی‌گرا از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب در سطوح مختلف انسان، خانواده، جامعه، کشور، حکومت، نظامات حکومتی و امت اسلامی؛

رهبری تحول: نقش‌آفرینی فعال، مؤثر، نظام‌مند و بهینه با حداکثر توان ممکن در راستای بسترسازی برای ایجاد تحول تعالی‌گرا و هماهنگ به‌منظور حرکت در مسیر دستیابی به وضعیت مطلوب؛

الگوی رهبری تحول: منظومه‌ای از مبانی، اصول، ارزش‌ها، قواعد، تدابیر و سازوکارهایی که شیوه ایجاد تحول به‌منظور نیل به وضعیت مطلوب را طراحی و راهبری کرده و بستر لازم را برای دستیابی به وضعیت مطلوب فراهم می‌سازد؛

نظریه مبنا: مجموعه‌ای نظام‌مند از باورها، اعتقادات، تصورها و پیش‌فرض‌ها در زمینه‌ای خاص که در ذهن فرد نهادینه شده و ضمن شکل‌دهی به شیوه تفکر و درک او از پدیده‌های مورد نظر، مبنای شکل‌گیری چهارچوب‌های ذهنی و بروز رفتار و تعامل او با محیط پیرامونی می‌شود.

5. روش تحقیق

برای دستیابی به نظریه مبنای رهبری تحول، ازیک‌سو لازم بود از میان مبانی و اصول مرتبط با موضوع، مواردی که دارای اثرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر موضوع بودند، جمع‌آوری شوند تا بتوانند ارکان نظریه مبنای مورد نظر را تشکیل دهند و ازسوی دیگر، ماهیت علوم اسلامی به گونه‌ای است که بدون آشنایی کافی با مباحث و تنها براساس برداشت موردی و شخصی از مبانی و اصول

مرتبط، نمی‌توان آن‌ها را به‌عنوان یکی از ارکان نظریه مبنای مورد نظر قلمداد کرد. بدین‌منظور، در طراحی روش تحقیق مورد نظر برای استخراج نظریه مبنای رهبری تحول از آیات قرآن کریم، تلاش شده است با برقراری تناوب رفت‌وبرگشتی میان محقق و دستاوردهای او از یک‌سو و اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم دینی از سوی دیگر، نسبت به تدوین نظریه مبنای رهبری تحول اقدام شود. برای تحقق این هدف، ابتدا با به‌کارگیری تکنیک‌هایی که در چهارچوب تحقیق معرفی شده‌اند، واژگان کلیدی مرتبط شناسایی شدند که منتخبی از فهرست کلیدواژه‌های شناسایی شده با بیان تعداد تکرار آن‌ها در آیات قرآن کریم، در جدول شماره 1 ارائه شده است.

سپس کلیدواژه‌های شناسایی شده در مرحله پیشین، در آیات قرآن جست‌وجو شدند و از آنجا که برای فهم درست از یک آیه، باید به فهم مجموعی از آیات پیش و پس از آن و نیز آیاتی که در آن سیاق هستند، دست یافت و بعد معنای آن آیه را به دست آورد (الهی‌زاده، 1394: 83) و همچنین با توجه به اینکه عده‌ای از محققان مجموع آیات قرآن را به 555 قسمت موضوعی با سیاق مفهومی مرتبط بخش‌بندی کرده‌اند تا در بررسی هر آیه، حتماً به آیات قبل و بعد از آن در قسمت موضوعی مربوطه توجه شود (لسانی‌فشارکی، 1391: 44)، در این تحقیق نیز هر آیه‌ای که واژه مورد نظر در آن به کار رفته بود، در مجموعه آیات قبل و بعد از آن که سیاق مشابه دارند، مورد بررسی قرار گرفتند و آیاتی که به نظر می‌رسید می‌توانند سرنخ‌هایی برای استخراج گزاره شکل‌دهنده نظریه مبنای داشته باشند، شناسایی شدند. پیش‌نویس گزاره یا گزاره‌هایی که از آن استنباط شده است نیز ذیل آیه نگارش شدند. پس از انجام مراحل بالا، در مجموع 629 تک‌گزاره که هر یک می‌توانست حاوی پیام یا مفهومی مرتبط با نظریه مبنای رهبری تحول باشد، تدوین شد و مقوله‌هایی که هر گزاره به آن مربوط است، مقابل آن گزاره نوشته شد که منتخبی از عناوین مقوله‌ها در جدول شماره 2 آورده شده است.

جدول شماره 1. فهرست واژگان کلیدی شناسایی شده به منظور جست و جو در آیات قرآن

ردیف	واژه ی یا ریشه ی آن	تعداد تکرار واژه یا مشتقات آن در آیات قرآن	ردیف	واژه ی یا ریشه ی آن	تعداد تکرار واژه یا مشتقات آن در آیات قرآن
۱	غیر	۱۵۴	۳۹	سبیل	۱۴۵
۲	بدل	۴۴	۴۰	شکر	۷۵
۳	اصلاح	۱۸۰	۴۱	حیی	۱۸۴
۴	محول (تعمیر)	۲۵	۴۲	عبد	۲۷۵
۵	هدی	۳۱۶	۴۳	ولی	۲۳۱
۶	رود (ازاد)	۱۴۸	۴۴	حسب	۱۰۹
۷	سیر (سیر فی الارض)	۲۷	۴۵	مثل	۱۶۹
۸	سنن (سنن الله)	۲۱	۴۶	خوف	۱۲۴
۹	سخنر	۴۲	۴۷	حزن	۴۲
۱۰	فکر	۱۸	۴۸	رزق	۱۲۳
۱۱	وعد	۱۵۱	۴۹	وقت	۱۳
۱۲	فقد (فؤاد)	۱۶	۵۰	مکان	۴۰
۱۳	قلب	۱۶۸	۵۱	لغو	۱۱
۱۴	رشد	۱۹	۵۲	نفق	۱۱۱
۱۵	نور	۱۹۴	۵۳	ظنن (ظن)	۶۹
۱۶	فوز	۲۹	۵۴	مؤمنین	۱۹۴
۱۷	امن	۸۷۹	۵۵	وقی (متقین)	۲۵۸
۱۸	کثر	۱۶۷	۵۶	عبر (عبرت)	۹
۱۹	فذل (اقل)	۷۶	۵۷	علم	۸۵۴
۲۰	یقین	۲۸	۵۸	عزز (عززه)	۱۱۹
۲۱	رب	۹۸۰	۵۹	احسن	۴۸
۲۲	قوم (قیام)	۶۶۰	۶۰	عمل	۳۶۰
۲۳	عقل	۴۹	۶۱	فنی (فته)	۱۰
۲۴	قوم (قام - استقاموا)	۶۶۰	۶۲	قری (قریه)	۵۷
۲۵	زکو (یزکیهم)	۵۹	۶۳	محصنین	۳۶
۲۶	درج (درجات)	۲۰	۶۴	طیب (عباده طیبه)	۵۰
۲۷	ملل (ملت)	۱۹	۶۵	توبه	۸۷
۲۸	اسم (امت)	۱۲۴	۶۶	فلج (فلاج)	۴۹
۲۹	طائفه	۲۹	۶۷	نفق (منافقین)	۱۱۱
۳۰	عشر (عشیره)	۲۷	۶۸	فطر (فطرت الله)	۲۰
۳۱	شعب	۱۳	۶۹	دین (دین الله)	۱۰۱
۳۲	قبیله	۱	۷۰	انس (ناس)	۳۳۸
۳۳	برکت	۳۲	۷۱	کذلک	۱۲۵
۳۴	فتح	۳۸	۷۲	آیه	۵۴
۳۵	ذنب	۳۹	۷۳	عالمین	۲
۳۶	عقب (عقبه)	۸۰	۷۴	فتن (فتنه)	۶۰
۳۷	اولی الایاب	۱۶	۷۵	بلو (بتلا)	۳۸
۳۸	صراط	۴۵	۷۶	کذب	۲۸۲

نظریه مبنای «رهبری تحول» در اجتماعات انسانی

جدول شماره 2. عناوین مقوله‌های شناسایی شده

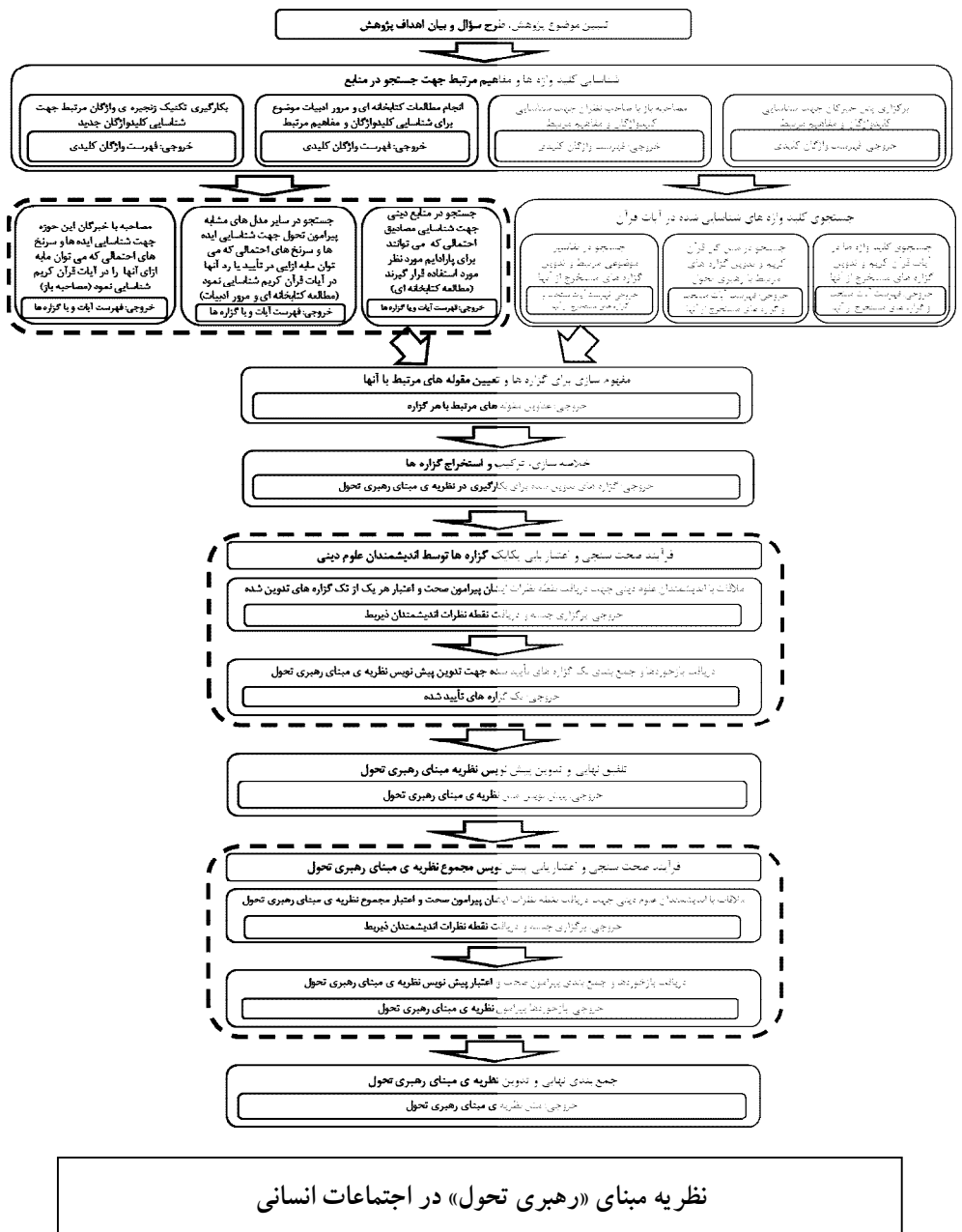
ردیف	عنوان مقوله	ردیف	عنوان مقوله
۱۸	رهبری تحول	۱	فرآیند خلقت جهان و انسانها و هدف از آن
۱۹	رهبر	۲	انسان، اختیارات و مسئولیت های او
۲۰	نظام سازی (برپایی نظام توحیدی)	۳	امانت
۲۱	تعاملات انسانها	۴	امتحان
۲۲	تعامل انسان با خدا	۵	ایمان (آئین و نتایج آن)
۲۳	تعامل انسان با سایر مخلوقات	۶	توحید
۲۴	خانواده	۷	نبوت
۲۵	جامعه	۸	معاد
۲۶	اکثریت گمراه	۹	ولایت
۲۷	توهم هدایت	۱۰	عاقبت بشریت (عاقبت جهان هستی)
۲۸	معیشت دنیا	۱۱	هدایت (راه راست)
۲۹	نصرت الهی	۱۲	شیطان
۳۰	امنیت	۱۳	گروه های معارض
۳۱	دین	۱۴	سنت های الهی
۳۲	ویژگی های مؤمنین	۱۵	نظام سنجش اعمال
۳۳	ویژگی های متقین	۱۶	برکت
۳۴	ویژگی های جامعه اسلامی	۱۷	نحوه ایجاد تحول (نحوه ی افزایش ایمان)

در ادامه، گزاره‌هایی که به هر مقوله مرتبط می‌شدند، ذیل عنوان آن مقوله قرار گرفتند و از آنجا که برخی از گزاره‌ها به بیش از یک مقوله مرتبط بودند، گزاره‌های تکراری نیز در این مرحله ایجاد شد. در مجموع 1029 گزاره ذیل مقوله‌ها قرار گرفت و پس از چند مرحله خلاصه‌سازی و تلفیق، فهرستی از گزاره‌های اولیه تهیه شد. پس از طرح پرسش به‌منظور صحت‌سنجی برای هریک از گزاره‌ها، اعتبار هریک از تک‌گزاره‌ها به‌طور مجزا، در تعامل با اندیشمندان ذی‌ربط، مورد ارزیابی قرار گرفت و نتیجه به‌صورت تأیید، رد یا اصلاح گزاره پیشنهادی، به محقق منعکس شد.

در مرحله بعدی، مجموعه‌ای از گزاره‌ها در قالب اصول نظریه مبنای رهبری تحول، مدون شدند و در فرایند اعتباریابی توسط اندیشمندان علوم دینی قرار گرفتند تا پس از ارزیابی صحت برداشت‌ها، نتیجه به محقق منعکس شود. با تکرار این مرحله در بخش اعتباریابی و صحت‌سنجی نتایج، در نهایت مجموعه مشخصی از گزاره‌ها به‌عنوان اصول نظریه مبنای رهبری تحول تدوین شدند که در ادامه به

معرفی آن‌ها پرداخته خواهد شد. مراحل پژوهش در قالب چهارچوب تحقیق، در نمودار شماره 1 نشان داده شده است و در ادامه، هریک از مراحل انجام تحقیق به اختصار معرفی خواهند شد. گفتنی است محقق از ابتدای فرایند تحقیق کوشیده است با برقراری تعامل مستمر با اندیشمندان علوم قرآنی، مراحل انجام تحقیق را دنبال کند.

نمودار شماره 1. چهارچوب تحقیق



نظریه مبنای «رهبری تحول» در اجتماعات انسانی

6. یافته‌های پژوهش در قالب «نظریه مبنای رهبری تحول»

همان‌طور که در بخش‌های پیشین بیان شد، پرسش اصلی این پژوهش که تلاش شده است به آن پاسخ داده شود این است که «نظریه مبنای برآمده از آیات قرآن کریم پیرامون ایجاد تحول در اجتماعات انسانی، چیست؟» در این راستا، پس از سیر مراحل پژوهش مبتنی بر روش‌شناسی ارائه‌شده، نتایج مورد نظر در قالب 30 اصل استخراج شده که عناوین آن‌ها در نمودار شماره 2 و خلاصه آن‌ها در جدول شماره 3 آورده شده است.

جدول شماره 3. خلاصه نظریه مبنای رهبری تحول

براساس نتایج تحقیق، منشأ اصلی همه تحولات، خداوند یگانه است و هیچ تغییر و دگرگونی و همچنین نیرویی برای ایجاد آن نیست، مگر اینکه وابسته به اوست (اصل 1). خدا جهان و هر آنچه در آن است را برای انسان خلق کرده است، سپس انسان را به‌عنوان اشرف مخلوقات و با هدف مشخص آفریده (اصل 2) و به او اختیار داده است تا بتواند راه خود را انتخاب کند. خدا وعده داده است که از یک‌سو برای همه انسان‌ها، هدایت (تکوینی و تشریحی) می‌فرستد تا راه سعادت را به آن‌ها نشان دهد (اصل 3) و بتوانند با سیر مراتب عبادت، عبودیت و رسیدن به مظهر ربوبیت حق، به جایگاه خلیفه‌اللهی برسند، و از سوی دیگر، موانعی را (که خود می‌توانند سبب رشد انسان شوند) در مسیر آن‌ها قرار می‌دهد که برخی از آن‌ها مانند نفس اماره، از درون انسان نشئت می‌گیرند و برخی از آن‌ها مانند شیطان، عوامل شرآفرین خارج از وجود انسان‌اند که ممکن است در قالب گروه‌های معارض (مانند طاغوت، ملاء، مترفین، اهبار و رحبان) یا به شکل‌های دیگر، نمایان شوند (اصل 4).

خدا در میان هر امتی، فردی که از دیگران مستعدتر بوده است را انتخاب کرده و ضمن ارسال وحی و ایجاد تحول در آن فرد، وی را به پیامبری برگزیده و به او کتاب و میزان داده است تا بتواند به هدایت دیگر انسان‌ها بپردازد. هدف همه انبیای الهی، رستگاری انسان‌ها (سعادت دنیا و آخرت ایشان) بوده و شیوه همه انبیا، آماده‌سازی محیط برای رشد و تعالی انسان‌ها و سعادت‌مند شدن آن‌ها از طریق تشکیل جامعه توحیدی و نظام الهی بوده است (اصل 5). مأموریت اصلی پیامبران انجام چهار وظیفه کلیدی «خواندن آیات الهی برای مردم و آن‌ها را در معرض آیات الهی قرار دادن»، «تزکیه مردم با تأکید بر ایجاد نظام الهی»، «تعلیم کتاب» و «تعلیم حکمت (بصیرت)» برای ایجاد تحول بوده است (اصل 6). وظایفی که انبیای الهی بر عهده داشته‌اند، مؤمنان نیز به حد وسع خود همان وظایف را بر عهده دارند (اصل 7).

خدا - که خزائن همه چیز تنها نزد اوست (اصل 8) - هر آنچه در آسمان و زمین است را مسخر انسان قرار داده است (اصل 9) و نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در ایجاد تحول در خود و جامعه برای او قائل شده است؛ به گونه‌ای که تغییر سرنوشت هر قومی، وابسته به تغییری است که انسان‌های آن قوم، در خود و در قوم‌شان

ایجاد می‌کنند (اصل 10). در این راستا، تمامی نعمت‌هایی که خدا در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد، نزد انسان به‌عنوان امانت است و مالکیت حقیقی آن‌ها برای خداست و انسان‌ها نیز در حیطه اختیاری که خدا به آن‌ها داده است، باید از این نعمت‌ها در جهت رضای خدا و انجام تکالیف و وظایف خود استفاده کنند (اصل 11). انسان برای ایجاد تحول باید بداند که خدا برای اجتماعات انسانی، قواعد و سنت‌هایی قرار داده است که قطعی بوده و هرگز تبدیل‌پذیر یا تغییرپذیر نیست و با شناخت و حرکت مطابق هریک از آن‌ها، نتایج مشخصی به وقوع خواهد پیوست (اصل 12)؛ بنابراین، انسان تحول را به‌طور مستقل ایجاد نمی‌کند بلکه با اعمالی که انجام می‌دهد، مستعد آن می‌شود که خدا در او و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، تحول ایجاد کند. ذره‌ذره نیت‌ها و اعمال انسان، مبتنی بر نظام مشخصی اثرگذار خواهد بود و مورد محاسبه قرار خواهد گرفت (اصل 13). وعده قطعی خدا این است که حتماً همه انسان‌ها را با دادن نعمت‌ها و با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و ثمرات، آزمایش می‌کند و سربلندنشدن انسان در آزمایش‌های به‌ظاهر کوچک و اجرانکردن دستور خدا در امور به‌ظاهر جزئی می‌تواند منجر به خارج‌شدن انسان از مسیر حق شود (اصل 14). همچنین از آنجاکه دنیا و آخرت به هم پیوسته است و انسان براساس اعمالی که انجام می‌دهد، هم‌زمان دنیا و آخرت خود را می‌سازد و هنگام مرگ، از دنیا به آنچه برای خود در آخرت ساخته است، منتقل می‌شود؛ از این‌رو هر تلاشی برای ایجاد تحول، باید به گونه‌ای باشد که مجموعه سیر دنیا و آخرت انسان‌ها را هم‌زمان مد نظر قرار دهد تا بتواند بستر سعادت حقیقی را برای آنان فراهم سازد (اصل 15).

با توجه به موارد گفته‌شده و از آنجاکه خداوند متعال، تمامی لوازم و شرایطی را که برای سعادت‌مندشدن انسان مورد نیاز است به کسانی که ایمان (ایمان آگاهانه، متعهدانه و زاینده عمل) و عمل صالح داشته باشند، مژده داده است، راه اصلی ایجاد تحول در انسان و جامعه این است که بستری فراهم شود تا ایمان و عمل صالح آحاد مردم همواره ارتقا یابد و لازمه آن، افزایش صبر و استقامت ایشان مبتنی بر علم و آگاهی است (اصل 16) و روش دستیابی به این مهم نیز استقرار نظام الهی و حفظ و ارتقای آن (نظامی که با قوانین و مقررات الهی اداره می‌شود) است که با عنوان «اقامه قسط و اجرای عدالت» از آن یاد شده است (اصل 17)؛ بنابراین در فرایند ایجاد تحول، باید ضمن توجه هم‌زمان به اصالت جامعه و روح جمعی در کنار اصالت فرد (اصل 18)، به این مهم نیز توجه کرد که هر جامعه‌ای که تحت ولایت الهی نباشد، ناگزیر تحت ولایت شیطان قرار دارد (اصل 19) و در مرزبندی بین جبهه حق و باطل، اگر انسان با حق نباشد، با باطل خواهد بود (اصل 20) و هر ولایتی بجز ولایت خدا و جانشینانش، ولایت شیطان و طاغوت است. براساس مفهوم ولایت، همواره باید در جامعه اسلامی ولی وجود داشته باشد و حکومت در جامعه، برقرار باشد. انسان باید همه نیروهایش، با اراده ولی الهی به کار بیافتد و با جمیع عناصر وجودش بنده خدا باشد.

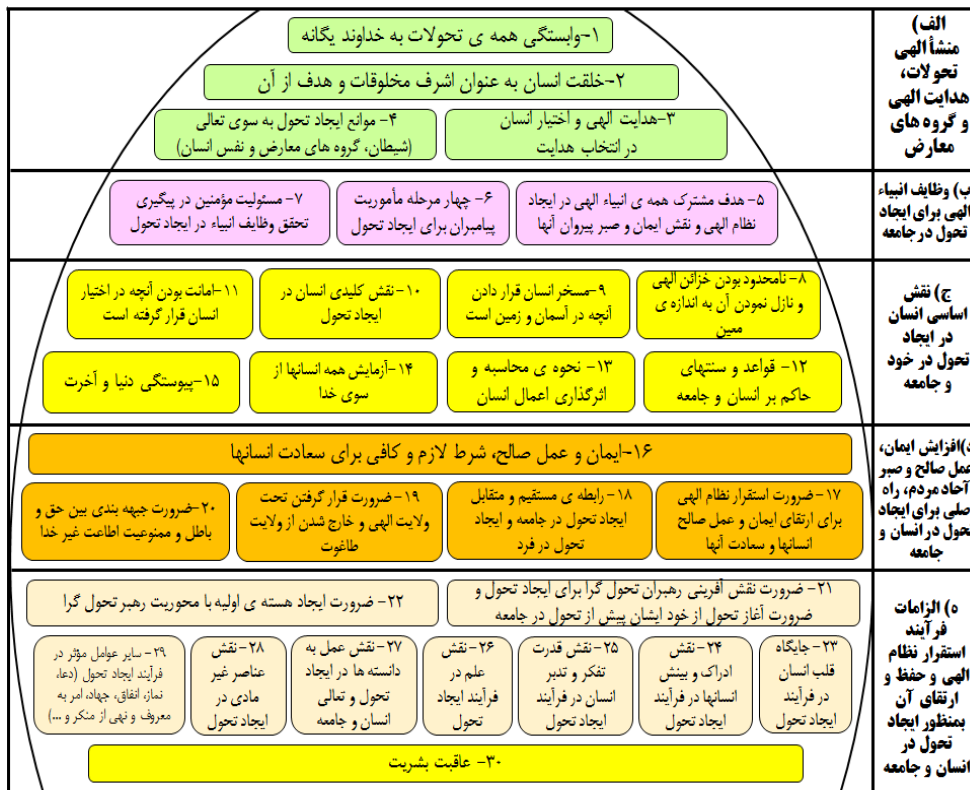
برای ایجاد نظام الهی و حفظ و ارتقای آن، به رهبران عالی و میانی تحول‌گرا (اصل 21) نیاز است که قلب‌شان از آمادگی لازم برای دریافت حقایق برخوردار باشد (اصل 23) تا ابتدا در خود ایشان و چهارچوب ادراک

نظریه مبنای «رهبری تحول» در اجتماعات انسانی

(اصل 24)، بیش و اندیشه آن‌ها (اصل 25) تحول ایجاد شود و سپس هسته‌های اولیه‌ای پیرامون هریک از آن‌ها و حول محور اصلی ولایت شکل بگیرد (اصل 22) که این هسته‌ها از درون کاملاً منسجم و از بیرون، کاملاً نفوذناپذیر باشند. سپس این هسته‌ها به صورت خودسازمان‌ده، ضمن هماهنگی و اتصال با محور اصلی ولایت (اصل 19)، به ایجاد تحول در حوزه مورد نظر پردازند. در این فرایند، رهبر تحول‌گرا باید با اتکا به تألیف قلب‌های مؤمنان از سوی خدا، همواره درصدد افزایش قدرت تفکر (اصل 25) و علم (اصل 26) خود و سایر انسان‌های جامعه باشد و ضمن عمل مؤمنانه به دانسته‌ها (اصل 27)، از عناصر غیرمادی (اصل 28) و سایر عوامل اصلی پیشران در ایجاد تحول (دعا، اقامه نماز، انفاق، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ضرورت انفاق در جامعه) (اصل 29) به طور مناسب استفاده کند و بداند وعده قطعی خدا به پرهیزگاران این است که اگر صبر و استقامت پیشه کنند، عاقبت از آن آنان خواهد بود (اصل 30).

در ادامه، 30 اصل شکل‌دهنده نظریه مبنای رهبری تحول - که عناوین آن‌ها در نمودار شماره 2 نشان داده شده است - تشریح می‌شود.

نمودار شماره 2. عناوین خلاصه اصول نظریه مبنای رهبری تحول براساس برداشت از آیات قرآن کریم



سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان 1397

1. وابستگی تحولات به خداوند یگانه: هیچ تغییر و دگرگونی و همچنین نیرویی برای آن نیست؛ مگر اینکه وابسته به خداوند یگانه است (کهف: 39؛ لیل: 14-12؛ بقره: 165).

2. خلقت انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات و هدف از آن: خداوند متعال، انسان را از خاک آفرید و از روح خود در او دمید، او را اشرف مخلوقات نامید و خلیفه خود روی زمین قرار داد (بقره: 30) خلقت انسان‌ها، بی‌هدف و بیهوده نبوده است بلکه خداوند متعال، انسان‌ها را هدفمند آفریده است (مؤمنون: 115 و 116). هدف از خلقت انسان‌ها را می‌توان در سه مرتبه «عبادت خدا»، «عبودیت» و «مظهر ربوبیت و ولایت حق» بیان کرد (جوادی‌آملی، 1391: 177-175)؛ (ذاریات: 56؛ جمعه: 1؛ تغابن: 1؛ مؤمنون: 115 و 116).

3. «هدایت الهی و اختیار انسان در انتخاب هدایت»: خدا همه موجودات را به‌صورت تکوینی یا تشریحی هدایت می‌کند و انسان برای اینکه بتواند بستر ایجاد تحول به سوی پیشرفت و تعالی را در خود فراهم کند، باید از هدایت الهی که برای او فرستاده شده است، پیروی کند. هدایت مانند نوری است که خدا برای انسان قرار می‌دهد تا با آن در میان مردم راه برود (انعام: 122). براین‌اساس، کسانی که ایمان بیاورند و طبق تعهدات‌شان عمل کنند (عمل صالح انجام دهند)، خداوند قلب‌شان را هدایت می‌کند و آن‌ها را به سبب ایمان‌شان، به سوی سخنان پاکیزه و راه راست رهنمون می‌سازد. این بدان معنی است که خودِ ایمان، موجب می‌شود انسان هم هدف را به‌صورت صحیح پیدا کند و هم راه و وسیله دستیابی به آن را دریابد (یونس: 9).

3-1. اختیار انسان در انتخاب هدایت: سنت خدا بر این نبوده است که همه انسان‌ها اجباری به‌صورت یک امت واحده، هدایت یافته و پرهیزگار شوند بلکه براساس قدرت انتخابی که خدا برای انسان قائل شده است، عده‌ای ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کنند و مشمول هدایت الهی قرار می‌گیرند و عده‌ای ایمان نمی‌آورند و مشمول عذاب الهی می‌شوند (هود: 120-116؛ یس: 11-1).

4. موانع ایجاد تحول به سوی تعالی (شیطان، گروه‌های معارض و نفس انسان): اراده خداوند متعال بر این بوده است که موانعی را در مسیر پیشرفت و تعالی انسان قرار دهد و این موانع خود می‌تواند به‌عنوان یک پیشران مؤثر در مسیر پیشرفت و تعالی انسان‌ها نقش‌آفرینی کنند. این موانع را می‌توان به دو دسته موانع خارج از وجود انسان (شیطان و گروه‌های معارض) و موانع درون وجود انسان (نفس اماره) تقسیم‌بندی کرد که در جدول شماره 4 به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره شده است.

جدول شماره 4. نمونه‌هایی از موانع موجود در فرایند ایجاد تحول

<p>قرآن کریم چهار گروه از معارضان را که در مقابل همه پیامبران و همه کسانی که بخواهند راه پیامبران را ادامه دهند، همواره وجود دارند و مقابل آن‌ها می‌ایستند، به شرح زیر معرفی کرده است (خامنه‌ای، 1392: 441): الف) طاغوت (طبقه طغیانگر در مقابل خدا یعنی بالاترین مقام‌های یک نظام جاهلی مانند فرعون، هامان و قارون که از طبقه فرمانروایان بوده‌اند) (قرآن کریم، آیات 32 و 33 سبأ)، ب) ملأ (طبقه سران، رؤسا و سردمداران قدرت‌ها و نظام‌ها) مانند هامان در قوم فرعون) که انسان‌های با جاه و جلالی هستند که وقتی راه می‌روند، زرق و برق‌شان هر انسانی را در مقابل‌شان خاضع و کوچک می‌کند. ج) مترفین (طبقه اشراف و ثروت‌اندوزان) و د) احبار و رهبران (طبقه سردمداران فکری مانند رجال مذهبی و روحانیون). اگر خدا می‌خواست می‌توانست تمامی این طبقات معارض را در یک لحظه از بین ببرد تا نتوانند به دشمنی با انبیا و پیروان آن‌ها برخیزند اما سنت الهی این است که آن‌ها دشمنی‌هایشان را بکنند تا مؤمن از غیر مؤمن بازشناخته شود (قرآن کریم، آیه 38 هود، آیه 60 مائده، آیه 36 نحل، آیه 31 توبه، آیه 45 واقعه). بنابراین وجود شیطان و گروه‌های معارض، خود می‌تواند به عنوان یک پیشران مؤثر در ایجاد تحول در انسان‌ها به سوی تعالی نقش‌آفرینی کند.</p>	<p>گروه‌های معارض</p>	<p>موانع خارج از وجود انسان</p>
<p>شیطان در مفهوم عام خود در قرآن، به معنای نیروهای شرآفرین خارج از وجود انسان است (خامنه‌ای، 1392: 435) که خدا از انسان‌ها خواسته است که از آن‌ها اطاعت و پیروی نکنند. شیطان سوگند یاد کرده است که بر سر راه مستقیم خدا در برابر انسان‌ها کمین کند و از پیش رو و از پشت رو، و از طرف راست و از طرف چپ آن‌ها به سراغ آن‌ها برود تا آن‌ها را گمراه کند. به همین منظور، خداوند متعال به انسان‌ها هشدار داده است که مراقب باشید شیطان شما را نفریبد چه اینکه او و همکارانش انسان‌ها را می‌بینند از جایی که انسان‌ها آنان را نمی‌بینند. همه رهبران تحول‌گرا باید خود را در معرض القائات شیطانی بدانند و مراقبت لازم را از خود برای فریب‌نخوردن از شیطان به عمل آورند. چراکه تمام پیامبرانی که خدا فرستاده است، هنگامی که خواسته و آرزویی را در راستای انجام مأموریت خود می‌خواستند طلب کنند (طرحی برای پیشبرد اهداف الهی خود بریزند). شیطان القائاتی در درون آنان می‌کرد اما خداوند القائات شیطان را از میان می‌برد، سپس آیات خود را استحکام می‌بخشید (قرآن کریم، حج: 54-52)</p>	<p>شیطان</p>	
<p>نفس انسان می‌تواند به‌عنوان یک مانع درونی در فرایند ایجاد تحول در انسان و جامعه، نقش‌آفرینی کند.</p>	<p>نفس انسان (نفس اماره)</p>	<p>موانع درون وجود انسان</p>

سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان 1397

5. هدف مشترک انبیا در ایجاد نظام الهی و نقش ایمان و صبر پیروان آنها: هدف همه انبیای الهی، رستگاری انسان‌ها (سعادت دنیا و آخرت) بوده است. شیوه همه انبیا، آماده‌سازی محیط برای رشد و تعالی انسان‌ها و سعادت‌مندشدن آنها از طریق تشکیل جامعه توحیدی و نظام الهی بوده است؛ یعنی نظامی که با قوانین و مقررات الهی اداره می‌شود که با عنوان «اقامه قسط و اجرای عدالت» نیز از آن یاد شده است. این مسیری است که رهبران تحول‌گرا موظفند آن را دنبال کنند؛ بنابراین تمامی انبیای الهی به دنبال ایجاد نظامی الهی بوده‌اند و آنها و پیروانشان، امکان موفقیت داشته‌اند ولی دو شرط مهم برای این موفقیت وجود دارد که به اراده انسان‌ها در ساختن آینده تاریخ دلالت دارد و این دو شرط عبارتند از «ایمان» و «صبر». در مواردی که پیروان پیامبران از این دو ویژگی برخوردار بوده‌اند، توانسته‌اند نظام الهی را ایجاد کنند و در غیر این صورت، موفق به ایجاد چنین نظامی نشده‌اند (خامنه‌ای، 1392: 456-455). برای ایجاد تحول در جامعه باید بستری را فراهم کرد تا ایمان، عمل صالح و صبر و استقامت آحاد انسان‌های آن جامعه، همواره افزایش یابد. افزایش صبر و استقامت انسان‌ها با افزایش علم آنان در ارتباط مستقیم است و از آن اثر می‌پذیرد (بلد: 18؛ مدثر: 48-38؛ واقعه: 40-27؛ کهف: 68-67).

6. چهار مرحله مأموریت پیامبران برای ایجاد تحول: روش خداوند متعال برای ایجاد تحول در جامعه بدین صورت بوده است که ابتدا در هر امتی، انسانی را که مستعدتر از سایر انسان‌ها بوده است، برمی‌گزید و ابتدا در او تحول ایجاد می‌کرد، سپس به وی مأموریت می‌داد تا در وهله نخست، خانواده و خویشاوندان نزدیک خود را به راه راست دعوت کند و در ایجاد تحول در آنها بکوشد، سپس عده محدودتری را به صورت خاص پرورش دهد تا جمع متحدی شکل بگیرد که از درون به هم پیوسته و متحد و از بیرون کاملاً نفوذناپذیر باشند (مفهوم ولایت)، سپس این دعوت را در محیط جامعه اعلام می‌کردند تا با استقرار نظام توحیدی، در جامعه تحول ایجاد کنند. بر این اساس، خداوند متعال مأموریت اصلی از ارسال پیامبر را انجام چهار عملیات کلیدی برای ایجاد تحول، معرفی کرده است: خواندن آیات الهی برای مردم و آنها را در معرض آیات الهی قراردادن، تزکیه مردم از طریق ایجاد نظام الهی، تعلیم کتاب، و تعلیم حکمت (بصیرت). (آل عمران: 164؛ طه: 122؛ انعام: 87-83؛ نحل: 121-120).

برخی از ملاحظه‌هایی که در فرایند انجام مأموریت‌های گفته‌شده باید مدنظر قرار می‌گرفت، در جدول شماره 5 آورده شده است.

جدول شماره 5. ملاحظه‌هایی در فرایند تلاش برای ایجاد تحول از سوی پیامبران

ردیف	ملاحظه‌ها
1	ضرورت وجود کتاب (قانون) و میزان به همراه اسلحه و قوه قهریه برای ایجاد نظام عادلانه و الهی
2	نقطه آغاز دعوت پیامبران الهی این بوده است که «خدا را بپرستید و غیر خدا را نپرستید (با طاغوت مبارزه کنید)»، لذا عبادت (اطاعت) خدا و اجتناب از طاغوت، اساس دعوت همه انبیای الهی و رهبران تحول‌گراست (36 نحل).
3	ضرورت وجود ایمان و صبر در انسان‌های جامعه به‌عنوان دو شرط لازم برای تشکیل نظام الهی
4	تأثیر اطاعت از خدا بر افزایش صبر و استقامت انسان و هم‌نشین شدن با خوبان عالم
5	تأثیر افزایش علم انسان بر افزایش صبر و استقامت (قرآن کریم، آیات 67-68 کهف)
6	جایگاه خدا به‌عنوان مالک حکومت‌ها و آنکه به هرکس بخواهد حکومت می‌بخشد و او را عزت می‌دهد
7	شیوه حکومت صالحان این‌گونه است که هرگاه خدا در زمین به آن‌ها قدرت ببخشد، نماز را برپا می‌دارند، زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند (قرآن کریم، آیات 38-41 سوره حج)

7. مسئولیت مؤمنان در پیگیری تحقق وظایف انبیا در ایجاد تحول: وظایفی که انبیای الهی به عهده داشته‌اند، مؤمنان نیز به حد و سع خود همان وظایف را بر عهده دارند. بر این اساس، همان‌طور که جهان همواره در حال نوشدن و تحول است، اصلی‌ترین هدفی که انسان باید در دنیا دنبال کند، این است که بتواند از طریق سیر مراتب عبادت، عبودیت و رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی (مظهر ربوبیت و ولایت حق)، درصدد ایجاد تحول در خود، خانواده و جامعه به سوی رستگاری و سعادت دنیا و آخرت باشد و در صورتی که در این فرایند نقشی ایفا کند، تمامی پدیده‌های عالم و اعمال انسان برای او موضوعیت پیدا می‌کنند؛ بنابراین اصالت با سعادت انسان‌هاست.

8. نامحدودبودن خزائن الهی و نازل کردن آن به اندازه معین: خداوند یگانه آفریننده عالم هستی است و خزائن همه چیز، تنها نزد اوست ولی جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کند! (حجر: 20 و 21؛ لقمان: 27).

9. خداوند هر آنچه را در آسمان و زمین است، مسخر انسان قرار داده است: خداوند جهان و هر آنچه در آن است (زمین، هفت طبقه آسمان، عرش، فرشتگان، موجودات زنده اعم از حیوانات و جن و غیره) را برای انسان آفریده و همه را مسخر انسان قرار داده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را

فراوان بر انسان‌ها ارزانی داشته است (حج: 37؛ جائیه: 12 و 13؛ نحل: 12؛ اعراف: 54؛ لقمان: 23-12؛ آیات زخرف: 9-10).

10. نقش کلیدی انسان در ایجاد تحول: انسان‌ها نقشی تعیین‌کننده و محوری در سعادت فردی و اجتماعی خود دارند و تغییر سرنوشت هر قومی، وابسته به تغییری است که انسان‌های آن قوم، در خود و در قوم‌شان ایجاد می‌کنند (رعد: 11). هر کس می‌تواند نفس خود را تزکیه کند. بین تحولات نفسانی و حوادث روز، ارتباط مستقیم برقرار است. انسان‌ها می‌توانند با تغییر اوضاع و احوال درونی خود در تحول حوادث بیرونی اثرگذار شوند (شمس: 1-15).

11. امانت‌بودن آنچه در اختیار انسان قرار گرفته است: تمام نعمت‌هایی که خدا در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد (اعم از جان و مال و همسر و فرزندان و غیره)، امانت نزد انسان و وسیله آزمایش و امتحان اوست و مالکیت حقیقی آن برای خداست. انسان‌ها در حیطه اختیاری که خدا به آن‌ها داده است، باید از این نعمت‌ها در جهت رضای او و انجام تکالیف و وظایف خود استفاده کنند. آنان در قبال ذره‌ذره عملکرد خود مسئولند و باید پاسخ‌گو باشند (مؤمنون: 62-63). خداوند درجات بعضی انسان‌ها را بالاتر از دیگران قرار داده است تا آن‌ها را به وسیله آنچه در اختیارشان قرار می‌گیرد، بیازماید؛ بر این اساس، گسترده‌بودن نعمت (مانند وسعت روزی و غیره) یا محدودبودن آن (تنگ‌گرفته‌شدن در روزی) به معنای اکرام یا اهانت به انسان نیست بلکه هر دو امتحان است و انسان موظف است نقش خود را در این امتحان به‌خوبی ایفا کند (فجر: 15-17).

12. قواعد و سنت‌های حاکم بر انسان و جامعه: در اجتماعات انسانی، قواعد و سنت‌هایی جاری است که قطعی بوده و هرگز تبدیل‌پذیر یا تغییرپذیر نیست و با شناخت آن‌ها و مشمول هر یک از آن‌ها شدن، نتایج تعریف‌شده‌ای به وقوع خواهد پیوست (اسراء: 77؛ فاطر: 43؛ احزاب: 62؛ فتح: 23).

13. شیوه محاسبه و اثرگذاری اعمال انسان: این امر از قواعد ثابت و مشخصی پیروی می‌کند که از مهم‌ترین آن‌ها که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد تحول در انسان‌ها داشته باشد، در جدول شماره 6 آورده شده است.

جدول شماره 6. نمونه‌هایی از قواعد نحوه محاسبه و اثرگذاری اعمال انسان

ردیف	ملاحظه‌ها
1	اشراف کامل خدا بر همه نیت‌ها و اعمال انسان‌ها و محاسبه و اثرگذاری ذره‌ذره اعمال انسان‌ها و همچنین گواهی رسول خدا و شهادی از امت بر اعمال انسان در روز حساب (قرآن کریم، آیات 106-105 توبه و آیات 7-8 زلزال)
2	محاسبه اعمال جامعه و اعمال فردی در کنار یکدیگر (قرآن کریم، آیه 17 فصلت)
3	مجزا بودن و اختصاصی بودن محاسبه اعمال فردی و جمعی هر یک از انسان‌ها و امت‌ها و عدم امکان به‌دوش کشیدن اعمال یکدیگر
4	نقش کلیدی «ایمان» در پذیرفته‌شدن اعمال و آثار آن (قرآن کریم، آیه 22-21 آل عمران و آیات 5-1 نمل)
5	تأثیر نیت انسان و آنچه در دل دارد بر نتایج اعمال او و نحوه محاسبه آن (قرآن کریم، آیات 261 و 284 بقره)
6	تأثیر زمان و مکان انجام عمل بر آثار و نتایج حاصل از آن (قرآن کریم، آیه 97 بقره و آیات 27-28 حج)
7	اثرگذاری غیرخطی اعمال انسان (قرآن کریم، آیات 70-68 فرقان و آیه 261 بقره و آیه 32 مائده)
8	اولویت تأثیر کیفیت اعمال بر نتایج آن نسبت به کمیت اعمال (قرآن کریم، آیات 82-75 توبه)
9	آثار معنوی وضو در انسان و اعمال او (قرآن کریم، آیه 6 مائده)
10	مبنای قرار گرفتن بهترین اعمال کسانی که ایمان و عمل صالح دارند و صبر و استقامت دارند، برای محاسبه پاداش (قرآن کریم، آیات 97-96 نحل)
11	تأثیر ده‌برابر اعمال نیک مؤمنان و تأثیر برابر اعمال بد (قرآن کریم، آیات 27-26 یونس و آیه 89 نمل)
12	همه‌گیر بودن رحمت خدا و اقتضایی بودن عذاب خدا (قرآن کریم، آیه 156 اعراف)
13	از بین رفتن سیئات توسط حسنات و امکان بخشش گناهان و پاک‌شدن آثار یا تبدیل آثار بد آن به آثار خوب برای فرد در صورت پذیرش توبه او توسط خدا (قرآن کریم، آیات 115-114 هود و آیه 116 نساء و آیه 77-63 فرقان)
14	تأثیر توسل انسان به اولیای خدا و طلب استغفار پیامبر برای انسان در آثار اعمال انسان (قرآن کریم، آیه 17 فصلت)
15	تأثیر اعمال انسان بر همه انسان‌هایی که در طول تاریخ، در شکل‌گیری و تربیت او اثرگذار بوده‌اند (قرآن کریم، آیه 32 مائده)
16	تأثیر شفاعت در کار نیک برای انسان و تأثیر شفاعت در کار شر برای انسان (قرآن کریم، آیات 87-84 نساء)
17	تأثیر اعمال رهبران و سنت‌گذاران جامعه و نحوه محاسبه اعمال آن‌ها (قرآن کریم، آیات 26-25 نحل و آیات 77-70 نحل)
18	تأثیر دعا در نتیجه اعمال انسان و محاسبه آن (قرآن کریم، آیات 66-60 نمل و آیات 202-200 بقره)
19	تأثیر شکر در افزایش نعمت‌ها (قرآن کریم، آیات 8-6 ابراهیم)
20	جایگاه «برکت» در اثرگذاری اعمال (قرآن کریم، آیه 261 بقره)

14. آزمایش همه انسان‌ها از سوی خدا: وعده قطعی خداوند متعال این است که حتماً همه انسان‌ها را با دادن نعمت‌ها و با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و ثمرات آزمایش می‌کند و عدم سربلندی انسان در آزمایش‌های به‌ظاهر کوچک و عدم اجرای دستور خدا در امور به‌ظاهر جزئی می‌تواند منجر به خارج شدن انسان از مسیر حق شود (بقره: 249-247)؛ بنابراین انسان‌ها باید برای سربلندی در آزمون‌های الهی اعم از کوچک و بزرگ که هم صالحان و هم ناصالحان با آن مواجه خواهند بود، تلاش کنند و بدانند هم نعمت‌ها و هم سختی‌ها می‌توانند به‌عنوان دو عامل بازگشت به سوی خدا نقش‌آفرینی کنند.

15. پیوستگی دنیا و آخرت: خداوند انسان را دارای جسم و روح آفریده است و به او اختیار، قدرت تفکر و قدرت بیان داده است. انسان مدتی به‌طور موقت در دنیا زندگی خواهد کرد و سپس با مرگ در دنیا و جداشدن روح از جسم، روحش وارد جهان دیگری خواهد شد. چون دنیا و آخرت به هم پیوسته است، انسان براساس اعمالی که انجام می‌دهد، هم‌زمان دنیا و آخرت خود را می‌سازد و هنگام مرگ، از دنیا به آنچه برای خود در آخرت ساخته است، منتقل می‌شود؛ ازاین‌رو هر برنامه و اقدامی که برای ایجاد تحول در خود و جامعه می‌خواهد دنبال کند، باید به گونه‌ای باشد که دنیا و آخرت را هم‌زمان مد نظر قرار دهد تا بتواند بستر سعادت حقیقی را برای انسان فراهم سازد.

16. ایمان و عمل صالح، شرط لازم و کافی برای سعادت انسان‌ها: همه آنچه انسان برای دستیابی به سعادت کامل و همه‌جانبه دنیا و آخرت نیاز دارد، داشتن ایمان (ایمان آگاهانه، زاینده عمل و متعهدانه) به همراه عمل صالح است. خداوند متعال همه لوازم و شرایطی را که برای سعادت‌مند شدن انسان، مورد نیاز است به کسانی که ایمان و عمل صالح داشته باشند، مژده داده است (بلد: 18؛ مدثر: 38-48؛ واقعه: 40-27؛ عصر: 3-1).

16-1. خداوند کارهای کسانی را که ایمان آورده و تقوای الهی پیشه کنند و سخن حق بگویند، اصلاح می‌کند و راه نجاتی برای آن‌ها فراهم می‌کند، کار را بر ایشان آسان نموده و گناهان آنان را می‌آمرزد و پاداش آنان را بزرگ می‌دارد (احزاب: 70 و 71).

16-2. از آنجاکه لازمه افزایش ایمان و عمل صالح آحاد مردم، افزایش صبر و استقامت ایشان مبتنی بر علم و آگاهی است، برای ایجاد تحول در جامعه باید بستری فراهم کرد تا ایمان، عمل صالح و صبر و استقامت آحاد انسان‌های آن جامعه، همواره افزایش یابد. افزایش صبر و استقامت انسان‌ها با افزایش علم در ارتباط مستقیم است و از آن اثر می‌پذیرد (بلد: 18؛ مدثر: 38-48؛ واقعه: 40-27؛ کهف: 68-67).

17. ضرورت استقرار نظام الهی برای ارتقای ایمان و عمل صالح انسان‌ها و سعادت آن‌ها: همان‌گونه که شیوه همه انبیای الهی برای رستگاری انسان‌ها، آماده‌سازی محیط برای رشد و تعالی آن‌ها و سعادت‌مندشدن آن‌ها از طریق تشکیل جامعه توحیدی و نظام الهی بوده است (که با عنوان «اقامه قسط و اجرای عدالت» نیز از آن یاد شده است) و از آنجاکه مؤمنان نیز به حد وسع خود، وظایفی مشابه انبیا بر عهده دارند، مؤمنان باید همواره به دنبال ایجاد، حفظ و ارتقای نظام الهی (نظامی که با قوانین و مقررات الهی اداره می‌شود) باشند (فصص: 5؛ طه: 41؛ انبیاء: 105؛ بلد: 18؛ مدثر: 38-48؛ واقعه: 40-27؛ کهف: 67-68).

17-1. خدای متعال در کنار دعوت نبوت و ایده تشکیل نظام توحیدی و الهی، از اسلحه و قوه قهریه نیز یاد کرده است. خداوند به فرستادن آهن اشاره می‌کند که از آن برای ساخت سلاح استفاده می‌شود و در آن آسیب و صلابتی سخت و سودهایی برای مردم است (حدید: 25؛ خامنه‌ای، 1392: 392-393).

18. رابطه مستقیم و متقابل ایجاد تحول در جامعه و ایجاد تحول در فرد: ایجاد تحول در جامعه با ایجاد تحول در فرد، رابطه مستقیم و متقابل دارد و در فرایند ایجاد تحول باید به اصالت جامعه و روح جمعی در کنار اصالت فرد، هم‌زمان توجه داشت (فصلت: 17) و ایجاد تحول در فرد را هم‌زمان با ایجاد تحول در جامعه دنبال کرد.

19. ضرورت قرارگرفتن تحت ولایت الهی و خارج‌شدن از ولایت طاغوت: ولایت در سطح یک انسان، به معنای وابستگی فکری و عملی هرچه بیشتر و روزافزون‌تر با ولی است. انسان باید ولی را پیدا کند، از نظر فکر، عمل، روحیات، راه و رسم و روش، خود را به او مرتبط کند و دنبال او حرکت کند (خامنه‌ای، 1392: 565)؛ این در حالی است که ولایت در سطح یک جامعه به این است که ولی در آن جامعه مشخص باشد و مردم او را بشناسند و منشأ و الهام‌بخش همه نیروها، نشاطها و فعالیت‌های آن جامعه باشد (خامنه‌ای، 1392: 568). هر جامعه‌ای که تحت ولایت الهی نباشد، ناگزیر تحت ولایت شیطان قرار دارد؛ به بیان دیگر، هر ولایتی جز ولایت خدا و جانشینانش، ولایت شیطان و طاغوت است و پذیرش ولایت شیطان موجب آن است که شیطان بر همه نیروهای سازنده‌ای که در وجود آدمی نهاده شده، تسلط یافته و آن‌ها را در مجرای هواها و هوس‌های خویش در آورد. براساس مفهوم ولایت، در جامعه اسلامی باید همواره ولی وجود داشته باشد و حکومت در جامعه، برقرار باشد. این تفکر که در یک جامعه ایدئال، دیگر نیازی به دولت و حکومت نیست، با مفهوم ولایت در تضاد است

و چنین تفکری در اسلام وجود ندارد (بقره: 257-255؛ خامنه‌ای، 1392: 589).

20. ضرورت جبهه‌بندی بین حق و باطل و ممنوعیت اطاعت غیر خدا: در مرزبندی بین جبهه حق و باطل، اگر انسان با حق نباشد، با باطل خواهد بود. همراهی با باطل به این معنا نیست که حتماً با حق بجنگد، بلکه حتی کسی که برای حق نجنگد هم در جبهه باطل تلقی می‌شود. هر کسی که به فعالیت گروهی از انسان‌ها و زندگی آن‌ها راضی باشد، از خود آن‌هاست و کسی که ساکت است ولو در دل ناراضی است اما این ناراضایی را اعلام نمی‌کند، او هم برادر کسی است که راضی است؛ از این‌رو هر که با پیامبر نباشد، بر اوست و بین این دو صف، جایی در اسلام فرض نشده است (نحل: 36؛ خامنه‌ای، 1392: 500).

21. ضرورت نقش‌آفرینی رهبران تحول‌گرا و ضرورت آغاز تحول از خود ایشان: برای ایجاد تحول در جامعه، ضروری است رهبران تحول‌گرا در سطوح عالی و میانی در جامعه وجود داشته باشند تا بتوانند ایجاد تحول در جامعه را پیگیری و هدایت کنند (توبه: 71-72). بدین‌منظور، لازم است ابتدا در خود کسانی که می‌خواهند نقش رهبران تحول‌گرا را ایفا کنند، تحول ایجاد شود (طه: 41) تا پس از آن بتوانند به رهبری تحول در جامعه نیز بپردازند. نمونه‌هایی از قواعدی که رهبران تحول‌گرا باید همواره مد نظر داشته باشند و با رعایت آن‌ها، به رهبری تحول بپردازند، در جدول شماره 7 آمده است.

جدول شماره 7. ملاحظه‌هایی درباره رهبری تحول‌گرا

ردیف	ملاحظه‌ها
1	اهمیت رهبری در سرنوشت انسان‌ها به حدی است که در روز قیامت، خداوند متعال هر گروهی را با امام و پیشوایشان فرا می‌خواند (قرآن کریم، آیات 70-77 نحل) و رهبر هر قومی در روز قیامت، در پیشاپیش قومش خواهد بود و مورد سؤال قرار خواهد گرفت (قرآن کریم، آیات 97-98 هود)
2	رهبران و سنت‌گذاران در اعمال پیروان خود سهیم هستند و علاوه بر نتایج کامل اعمال خود، سهمی از نتیجه اعمال پیروان آن‌ها نیز به آن‌ها خواهد رسید (قرآن کریم، آیات 25-26 نحل)
3	اگر امام و پیشوای گروهی مرتکب گناه شود، مجازات او هم در دنیا و هم در آخرت مضاعف خواهد بود (قرآن کریم، آیات 70-77 نحل)
4	همان‌طور که خداوند متعال همه پیامبران را به زبان قوم خودشان برای ایشان فرستادند تا حقایق را برای آن‌ها آشکار نمایند، رهبران تحول‌گرا نیز باید با زبان متعارف مردم جامعه و به گونه‌ای که آن‌ها متوجه حرف او بشوند، با آن‌ها سخن بگویند تا بتوانند حقایق را برای آن‌ها آشکار کند (قرآن کریم، آیه 4 ابراهیم)

نظریه مبنای «رهبری تحول» در اجتماعات انسانی

ردیف	ملاحظه‌ها
5	دعوت به راه خدا باید با حکمت و اندرز نیکو باشد و با دعوت‌شوندگان به روشی که نیکوتر است، استدلال و بحث شود (قرآن کریم، آیات 125-126 نحل). بدین منظور حتی خدا از حضرت موسی (ع) خواست که وقتی به سراغ فرعون رفت، ابتدا با او به نرمی سخن بگوید، شاید او متذکر شود و از خدا بترسد (قرآن کریم، آیات 42-46 طه)
6	در تعالیم آسمانی اسلام، حکومت وظیفه است و هرگز حق و امتیازی برای حاکم نمی‌آورد تا او و عاملانش را از دیگر اقشار جامعه ممتاز سازد، بلکه مسئولیت خطیری برای او به بار می‌آورد که در برابر خدا و خلق او پاسخگو باشد (جوادی آملی، 1391: 135)
7	وعدۀ قطعی الهی این است که کسانی که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، خدا محبتی برای آنان در دل‌های دیگران قرار می‌دهد (قرآن کریم، آیه 96 مریم)
8	اولین دستوری که خدا به حضرت موسی (ع) پس از برگزیدن او به رسالت داد، این بود که خدا را پرستد و نماز را برای ذکر خدا اقامه کند (قرآن کریم، آیات 9-16 طه)؛ بنابراین رهبر تحول‌گرا باید همواره درصدد تقویت شناخت خود از خدا و حفظ و تعمیق ارتباط خود با خدا باشد
9	اهمیت پیروی از رهبر الهی تحول‌گرا تا حدی است که خدا وعده داده است کسانی که دعوت‌کننده الهی را اجابت کنند و به او ایمان آورند، خدا از گناهان‌شان می‌بخشد و آن‌ها را از عذاب دردناک می‌رهاند (قرآن کریم، آیه 31 احقاف)
10	ارتباط نسبی یا سببی با مسئولان ایجاب می‌کند انسان بیش از سایر کسانی که این ارتباط نسبی یا سببی را ندارند، مواظب اعمال و رفتارهای خود باشد و تقوای الهی پیشه کند، شأن و جایگاه همسران پیغمبر نیز به این است که بیش از دیگران تقوای الهی پیشه کنند (قرآن کریم، آیات 32 و 30 احزاب)
11	انسان مجاز به ایجاد هرگونه تغییری نیست؛ به عنوان نمونه انسان مجاز نیست آفرینش پاک الهی را تغییر دهد و اگر چنین کند، به فرمان شیطان عمل کرده است
12	یکی از وظایف مهم رهبران تحول‌گرا، ایجاد و ارتقای امید در انسان‌ها و پیشگیری از ایجاد یأس از رحمت خدا در آن‌هاست (قرآن کریم، آیه 53 زمر)
13	رهبر تحول‌گرا باید همواره پیروان خود را حول محور الهی، دعوت به وحدت نماید و از ایجاد تفرقه بر حذر دارد (قرآن کریم، آیه 103 آل عمران)
14	رهبر تحول‌گرا باید جامعه را با استفاده از علم و آگاهی و تبلیغات روشن‌گرانه به سوی تعالی دعوت کند و مجاز به استفاده از تبلیغات اغواگرانه نیست (قرآن کریم، آیه 108 یوسف)
15	رهبر تحول‌گرا باید به این نکته توجه داشته باشد که فرایند ایجاد تحول در انسان و جامعه، امری تدریجی است
16	سیر مراحل ایجاد تحول در انسان‌ها در مسیر پیشرفت و تعالی می‌تواند از مسلمان به مؤمن، متقی، محسن، ابرار و سپس مقربین تعالی یابد (قرآن کریم، آیات 17 و 18 حجرات، آیات 17 و 18 زمر)

22. ضرورت ایجاد هسته اولیه با محوریت رهبر تحول‌گرا: رهبر تحول‌گرا باید ضمن تلاش برای ایجاد تحول در خود و سپس خانواده و خویشاوندانش، نسبت به ایجاد جمعی متشکل و پیوسته و جبهه‌ای متین و غیرقابل نفوذ در قالب هسته اولیه حول محور خود یا قرارگرفتن در چنین هسته‌ای حول محور رهبر تحول‌گرایی که او را نسبت به خود اولی می‌داند، اقدام کند تا بتواند با اتکا به آن، فرایند ایجاد تحول را دنبال نماید و پس از تنومند شدن این هسته، از آن در جهت طراحی و استقرار نظام توحیدی یا تکمیل و قوام‌بخشی به آن بهره بگیرد. پاره‌ای از ملاحظه‌های مهمی که در فرایند ایجاد هسته‌های اولیه اهمیت دارند، در جدول شماره 8 آورده شده‌اند.

جدول شماره 8. نکات مهم در فرایند ایجاد هسته‌های اولیه با محوریت رهبر تحول‌گرا

ردیف	ملاحظه‌ها
1	اولویت و تقدم اهمیت خویشاوندی فکری نسبت به خویشاوندی نسبی و سببی (قرآن کریم، آیه 46 هود)
2	نقش کلیدی دوست و هم‌نشین انسان در تعیین سرنوشت انسان (قرآن کریم، آیات 27-29 فرقان)
3	هم‌نشینی با خوبان عالم نتیجه اطاعت از خدا و رسول خداست (قرآن کریم، آیات 64-70 نساء)
4	ملاک‌نبودن نظر اکثریت در شناخت راه خدا و راه هدایت
5	ضرورت اتحاد و انسجام هسته اولیه حول محور رهبر تحول‌گرا و عدم اثرپذیری آن از خارج از هسته مذکور
6	ضرورت عدم دوستی مؤمنان با دشمنان خدا و رسولش (هرچند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان‌شان باشند) و همچنین عدم دوستی مؤمنان با قومی که خدا آنان را مورد غضب قرار داده است (قرآن کریم، آیه 13 ممتحنه)
7	ضرورت اولویت قائل شدن و سرعت‌بخشیدن رهبر تحول‌گرا به کسانی که خودشان انتخاب اولیه داشته‌اند که به این هسته بپیوندند (قرآن کریم، آیات 1 تا 16 عبس)

23. جایگاه قلب انسان در فرایند ایجاد تحول: قلب انسان در کنار چشم و گوش او، سه منبع اصلی برای شناخت و دریافت حقایق هستند که خداوند در وجود انسان قرار داده است. این سه منبع، مکمل هم هستند ولی قلب انسان، منبع اصلی و شرط لازم برای دریافت حقایق است. اگر قلب انسان در اثر اعمالی که انجام می‌دهد، آمادگی درک حقایق را از دست بدهد (کور شود)، آنگاه به‌رغم اینکه با گوش می‌شود و با چشم ظاهر می‌بیند، ولی قادر به برداشت صحیح و درک حقایق نخواهد بود. ایمان، آرامش، کفر، حسد و کینه (غل)، رعب و ترس و نفاق از جمله مواردی است که در دل انسان جای می‌گیرد (اسراء: 36؛ سجده: 9؛ نحل: 78؛ بقره: 225؛ انعام: 46؛ حج: 46). در تعامل

انسان‌ها با یکدیگر، ایجاد الفت میان دل‌ها، عامل بسیار مهمی است و اگر انسان تمام آنچه را در زمین است صرف کند، نمی‌تواند بدون خواست خدا، در میان دل‌ها الفت ایجاد کند ولی خدا وعده داده است که دل‌های مؤمنان را به هم الفت می‌دهد (مریم: 96).

24. نقش ادراک و بینش انسان‌ها در فرایند ایجاد تحول: دعوت به سوی خدا و ایجاد تحول باید بر پایه بصیرت و فهم صحیح انسان‌ها صورت گیرد. برای ایجاد تحول در جامعه لازم است ابتدا در شیوه ادراک و بینش انسان‌های آن جامعه تحول ایجاد شود (یوسف: 108).

25. نقش قدرت تفکر و تدبیر انسان در فرایند ایجاد تحول: یکی از مهم‌ترین نعمت‌هایی که خدا به انسان‌ها داده است، قدرت تفکر و تدبیر است و از انسان‌ها خواسته شده است فکر و عقل خود را در امور مختلف به کار گیرند. اهمیت این موضوع تا اندازه‌ای است که بدترین جنبندها نزد خدا، افراد کر و لالی معرفی شده‌اند که اندیشه نمی‌کنند و خداوند متعال نیز وعده داده است که پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرار می‌دهد که نمی‌اندیشند (بقره: 171)؛ بنابراین رهبر تحول‌گرا باید همواره در پی افزایش قدرت تفکر خود و سایر انسان‌ها باشد. نکته مهم درباره تفکر این است که صرف اندیشیدن و فکرکردن انسان را در مسیر سعادت‌مند شدن قرار نمی‌دهد بلکه نیت انسان و هدفی که در نظر دارد و پیرامون آن به تفکر می‌پردازد نیز بسیار مهم و تعیین‌کننده است. به بیان دیگر، تعقل اگر بر پایه اعتقاد صحیح و در مسیر صحیح نباشد، می‌تواند انسان را در ورطه گمراهی فرو برد.

26. نقش علم در فرایند ایجاد تحول: علم نقشی کلیدی در فرایند ایجاد تحول در جامعه دارد و برای ایجاد تحول در جامعه باید علم انسان‌های آن جامعه را افزایش داد (مجادله: 11).

27. نقش عمل به دانسته‌ها در ایجاد تحول و تعالی انسان و جامعه: عمل به دانسته‌ها، در صورتی‌که با ایمان همراه باشد، نقشی کلیدی در ایجاد تحول در انسان و جامعه و رشد و تعالی آن‌ها ایفا می‌کند (فاطر: 10).

28. نقش عناصر غیرمادی در ایجاد تحول: در فرایند ایجاد تحول، علاوه بر عوامل مادی، عوامل غیرمادی مانند نصرت الهی، توفیق الهی، فرشتگان و تألیف قلوب توسط خداوند نیز اثرگذار هستند (انفال: 63؛ شوری: 5؛ نصر: 1-2).

29. سایر عوامل مؤثر در فرایند ایجاد تحول (دعا، نماز، انفاق، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و غیره): در فرایند ایجاد تحول در جامعه لازم است به موارد دیگری نیز توجه شود از جمله: نقش و

جایگاه دعا، ضرورت پیش‌بینی سازوکار انگیزشی و بستر اجرایی برای انجام طرح‌های مورد نظر، ضرورت رعایت عدالت در سخن‌گفتن، ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، ضرورت دفع بدی با نیکی، ضرورت جهاد و قیام‌کردن برای خدا به صورت فردی و گروهی به منظور رفع موانع از جامعه و تقدم آن بر اندیشیدن، ضرورت مهیا شدن و تجهیز مؤمنان با تمام توان برای مقابله با کافران و دشمنان، ضرورت پیکار با ائمه کفر هنگام مواجهه با کفار و ضرورت اندوهگین‌نشدن رهبر تحول‌گرا در مواجهه با کسانی که در مسیر کفر شتاب می‌کنند.

30. عاقبت بشریت: خداوند متعال به پرهیزگاران وعده داده است اگر صبر و استقامت پیشه کنند، عاقبت از آن‌ها خواهد بود و نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. همچنین خدا وعده داده است کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند (انعام: 32؛ مائده: 56) و بندگان صالح خدا، وارث حکومت زمین خواهند شد (اعراف: 99-94؛ انبیاء: 107-105).

7. اعتباریابی و صحت‌سنجی نتایج

همان‌طور که اشاره شد، در روش‌شناسی و چهارچوب طراحی شده برای انجام این تحقیق، فرایند رفت‌وبرگشت تناوبی بین محقق و تیم تحقیق از یک سو و اندیشمندان علوم قرآنی و علوم دینی از سوی دیگر پیش‌بینی شده بود. علاوه بر مشورت‌های مستمری که در طول فرایند تحقیق دریافت می‌شد، فهرستی شامل تک‌گزاره‌های اولیه حاصل شده در فرایند تحقیق نیز در اختیار اندیشمندان قرار گرفت و پس از تشریح محتوا، بازخوردهای هریک از آنان در تأیید، تصحیح یا رد تک‌گزاره‌ها جداگانه دریافت شد. در مرحله بعد، پس از تدوین مجموعه‌ای از گزاره‌ها در قالب اصول نظریه مبنای رهبری تحول (با استفاده از تک‌گزاره‌های تأیید شده در مرحله پیشین)، به ده نفر از اندیشمندان صاحب‌نظر و برجسته آشنا با علوم قرآنی به طور مجزا مراجعه و نقطه‌نظرهای هریک از آنان درباره اعتبار این مجموعه دریافت شد. پس از بررسی و اعمال ملاحظات، اعتبار نظریه مبنای رهبری تحول در فرایند تعیین شده در چهارچوب تحقیق، مورد تأیید قرار گرفت.

نکته مهم در این مرحله این بود که پس از مراجعه به هریک از اندیشمندان و دریافت نقطه‌نظرهای ایشان، یکایک مطالب بیان شده، توسط تیم تحقیق مورد بررسی قرار می‌گرفت و پس از اعمال تغییرات لازم در پیش‌نویس نظریه مبنای رهبری تحول، ویرایش جدید آن در مراجعه به

اندیشمند بعدی در فرایند اعتباریابی و صحت‌سنجی نتایج مورد استفاده قرار می‌گرفت که این فرایند به افزایش غنای خروجی‌های مورد نظر انجامید.

8. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف دستیابی به نظریه‌مبنای رهبری تحول‌براساس برداشت از آیات قرآن کریم با رویکرد تدبیر موضوعی در قرآن و با رویکرد کیفی ارائه شده است. بدین منظور، ابتدا با به‌کارگیری تکنیک‌هایی واژگان کلیدی مرتبط شناسایی شدند و پس از جست‌وجوی مشتقات مختلف، آیاتی که در آن‌ها به واژگان شناسایی شده پرداخته شده بود، انتخاب شدند. هر آیه در بستر آیات پیش و پس از آن، با روش تدبیر موضوعی مورد بررسی قرار گرفت و گزاره یا گزاره‌هایی که از این آیه قابل‌برداشت بود، تدوین شد. سپس فهرستی از گزاره‌های اولیه استخراج شده تهیه شد و پس از تبدیل شدن هریک از گزاره‌ها به پرسشی مشخص، اعتبار هریک از تک‌گزاره‌ها به‌طور مجزا در تعامل با اندیشمندان ذی‌ربط مورد ارزیابی قرار گرفت و نتیجه به‌صورت تأیید، رد یا اصلاح گزاره اولیه ارائه شده به محقق منعکس شد.

در مرحله بعدی، مجموعه‌ای از گزاره‌ها در قالب اصول نظریه‌مبنای رهبری تحول، مدوّن شدند و در فرایند اعتبارسنجی توسط اندیشمندان علوم دینی ذی‌ربط، مورد ارزیابی قرار گرفتند. پس از اعتباریابی، نتیجه به محقق منعکس و با تکرار این مرحله، نظریه‌مبنای رهبری تحول در قالب 30 اصل تدوین شد. بر این اساس، محققان و اندیشمندان می‌توانند با اتکا بر این نظریه‌مبنا، به طراحی و ارائه مدل‌ها و الگوهای متنوع برای ایجاد تحول در اجتماعات انسانی بپردازند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

آقایی، محمدرضا (1392)، «غرب‌زدایی از توسعه، رویکرد قرآنی پیشرفت اجتماعی - جستاری در نقد و بررسی رویکردهای غربی به توسعه و محورهای ارائه الگوی جایگزین قرآن در پیشرفت اجتماعی»، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

الهی‌زاده، محمدحسین (1393)، درسنامه تدبر موضوعی در قرآن، مشهد: نشر تدبر در قرآن و سیره.

الهی‌زاده، محمدحسین (1394)، درسنامه تدبر ترتیبی قرآن، مشهد: نشر تدبر در قرآن و سیره.

استر، الن؛ وایلی، کریستا؛ والتی، مایکل (1393)، تحول سازمانی استراتژیک، ترجمه احمد عیسی‌خانی، تهران: صفار.

استیسی، رالف دی؛ گریفین، داگلاس؛ شاو، پاتریشیا (1391)، پیچیدگی و مدیریت - نگرش سیستمی را فراموش کن، ترجمه امیرحسین خالقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

استیسی، دالف دی (1390)، مدیریت استراتژیک و پویایی‌های سازمان چالش پیچیدگی، ترجمه حسین رحمان‌سرشت، شهرام خلیل‌نژاد، سید علیرضا هاشمی، تهران: دوران.

استیسی، رالف دی (1392)، تفکر استراتژیک و مدیریت تحول، ترجمه مصطفی جعفری و مهریار کاظمی موحد، تهران: رسا.

اندرسون، دین؛ اندرسون، لیندا اکرم (1387)، فراسوی مدیریت تغییر. ترجمه میرعلی سید نقوی، سید مهدی الحسینی المدرسی، حجت محسنی، تهران: مهربان.

باقری چوکامی، سیامک؛ یوسفی، جعفر (1391)، «مؤلفه‌های نرم‌افزارانه مدیریت تغییرات اجتماعی در قرآن کریم - مطالعه موردی داستان حضرت موسی (ع) و فرعون در قرآن کریم»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، پاییز و زمستان 1391، شماره 7.

جبل‌عاملی، محمدسعید؛ جنابی، شهاب (1395)، «ارائه روش تحقیق ترکیبی برای استخراج مبانی عرصه‌ای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از طریق تدبر در قرآن کریم»، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (الگوی پایه پیشرفت)، تهران: انتشارات مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

جعفری، محمدتقی (1392)، حرکت و تحول از دیدگاه قرآن کریم، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه

جعفری.

- جلالی نائینی، سید غلامرضا؛ جعفری، مصطفی؛ صبور طبنت، امیرحسین (1387)، «طراحی الگوی مدیریت تحول با تأکید بر همراستا نمودن مؤلفه‌های تغییر»، ششمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت. جوادی‌آملی، عبدالله (1391)، تفسیر موضوعی جامعه در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی‌آملی، عبدالله (1393)، تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- حسن‌بیگی، ابراهیم (1390)، مدیریت راهبردی، تهران: سمت.
- حسینی‌بهشتی، سید محمد؛ باهنر، محمدجواد؛ گلزاده غفوری، علی (1390)، شناخت اسلام، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی.
- خامنه‌ای، سید علی (1392)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: انتشارات صهبا.
- دلگشایی، بهرام؛ آصف‌پور وکیلان، مهناز؛ ملکی، محمدرضا؛ نصیری‌پور، امیراشکان (1390)، «مدیریت تغییر در بیمارستان‌های ایران: الگوی عوامل اجتماعی»، نشریه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی البرز، دوره اول، شماره 1، صص 13-22.
- ذوعلم، علی (1389)، نظریه تحول در اسلام، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- روشه، گی (1390)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- سنگه، پیتر (1389)، رقص تغییر، ترجمه علینقی مشایخی، حسین اکبری، مسعود سلطانی، تهران: آریانا قلم.
- سیگل، دانیل جی (1390)، چشم ذهن، ترجمه فروغ هدایی، تهران: ذهن‌آویز.
- شلتون، شارلوت (1391)، جهش بزرگ در سازمان - هفت مهارت مورد نیاز در رویکرد کوانتومی به سازمان، ترجمه انسیه رضوی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- شریفی، احمدحسین (1393)، مبانی علوم انسانی اسلامی، تهران: آفتاب توسعه.
- صمدی میارکلائی، حسین؛ صمدی میارکلائی، حمزه؛ آقاجانی، حسنعلی (1394)، «تبیین نقش سبک رهبری تحول‌آفرین در فرهنگ سازمانی»، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره 14، شماره 2، صص 519-499.
- علی‌پور، مهدی؛ حسنی، سید حمیدرضا (1390)، پارادایم اجتهاد دانش دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کامینگز، توماس جی؛ ورلی، کرسٹوفر جی (1391)، تحول و توسعه سازمان، ترجمه کوروش برارپور، تهران: فرازاندیش سبز.
- کاون، توماس (1391)، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: سمت.

لسانی فشارکی، محمد؛ مرادی زنجانی، حسین (1391)، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

ماکسول، جان (1392)، در اندیشه تحول، ترجمه فضل‌اله امینی، تهران: انتشارات فردا.
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (1394)، پیش‌نویس الگوی پایه پیشرفت، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

موغنی، علیرضا (1382)، «طراحی الگوی رهبری تحول‌آفرین در سازمان‌های اداری ایران»، نشریه دانش مدیریت، شماره 62، 77-100.

نیومن، ویلیام لاورنس (1389)، شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ترجمه حسن دانایی‌فرد، سید حسین کاظمی، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

نوروزی، محمدتقی (1391)، «تحول در قرآن کریم»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، شماره چهارم، صص 35-60.

هایات، جفری ام (1391)، آدکار - مدلی برای تغییر در کسب‌وکار و اجتماع، ترجمه پرستو شاه‌سمندی اصفهانی، تهران: نشر نی.

رنگبومی رسدیم ایپرم